

فهرست‌های

پایان کتاب

در عصر اطلاعات

می‌گردد، عرفاً «فهرست» می‌گویند. بسیاری از متخصصان و کتابداران و کتابشناسان و اطلاع‌رسانان از به کار بردن واژه فهرست در این معنا امتناع دارند. اکثریت قریب به اتفاق آنان کلمه «نمایه» را به کار می‌برند و فهرست را معادل مناسب کاتالوک می‌دانند و برای تفکیک دو مقوله کاتالوگینگ cataloging و ایندکسینگ indexing از یکدیگر، برای اولی واژه «فهرستنویسی» و برای دومی لفظ «نمایه‌سازی» را استعمال می‌کنند. درباره اجزاء یا عناصر فهرست، یا به قول این عده «نمایه»، و نیز آراء و عقاید خاصی دارند و از اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که به کار بردن آنها برای خوانندگانی که اهل این گونه تخصصها نیستند نیازمند به توضیح است؛ بویژه آنکه پاره‌ای از این اصطلاحات در حوزه‌های دیگر علمی کاربرد دارد و با معناهای متفاوتی استعمال می‌شود و میان اهل علم و اصطلاح هنوز درباره آنها توافق نیست.

واحد تشکیل دهنده فهرست، مدخل است. مدخل می‌تواند اسم شیء، شخص، مکان، زمان، عنوان کتاب و مجله، نام اثر، نشانه و کد یا هر چیز دیگری باشد که به

عبدالحسین آذرنگ

لطفاً در این مقاله این اختصارها را در خاطر داشته باشید:

فهرست: همه انواع فهرست‌های پایان کتاب
کتاب: انواع کتابها، مجموعه‌ها و به طور کلی بین‌الدفتین‌ها
فهرستسازی: تهیه و تدوین فهرست‌های پایان کتاب

فهرست در ایران

در این بخش از مقاله از وضع کلی فهرست در ایران تصویری مجمل به دست داده می‌شود، اما نخست اشاره به چند اصطلاح رایج برای فهم بهتر مطلب لازم است. اجازه بدهید ابتدا به این اصطلاحات بپردازیم.

به مدخلهایی که معمولاً از متن کتاب استخراج و به صورت الفبایی تنظیم می‌شود و به پایان آن افزوده

گونه‌ای با نام مشخصی نامیده می‌شود. اگر این گونه نامها از متن استخراج و به ترتیبی، معمولاً الفبایی، مرتب شود، اصطلاحاً به آن «فهرست اعلام» می‌گویند. اگر موضوعها و مفاهیم و اصطلاحات استخراج و مرتب شود، به آن «فهرست موضوعی» می‌گویند؛ و اگر فهرستی ترکیبی از آن دو باشد، گاهی آن را «فهرست راهنما» می‌خوانند. باز هم تأکید می‌کنم که درباره این نامگذاریها توافقی عمومی وجود ندارد؛ حتی میان ناشران بزرگ حرفه‌ای و گردانندگان و کارگزاران کتاب و کتاب‌پردازان و کتاب‌سازان اتفاق رأی نیست. و بهترین گواه آن فهرستهایی است که با روشها، شکلهای و نامهای گوناگون منتشر کرده‌اند و می‌کنند و احتمالاً تا مدتهای مدید در آینده نیز به همین سبک و سیاق عمل خواهند کرد.

فهرست به این سه نوع محدود نمی‌شود؛ واژه‌نامه، کتابنامه، فرمولنامه، تصویرنامه و صورتها و سیاهه‌های دیگری که با نظمی خاص مرتب و به پایان کتاب افزوده می‌شود، گونه‌هایی از فهرست است. در واقع فهرستها انواع بسیار زیادی دارد و با گذشت زمان و پیدایش کتابهای گوناگون و مباحث تازه، بر تنوع آن مدام افزوده می‌شود و هر اثری که اصیل و بدیع باشد و فهرست بخواهد، فهرست آن نیز لاجرم اصالت خاص خود را اقتضا می‌کند و از این رو بداعت آثار بر تازگی فهرست آثار تأثیر می‌گذارد. اما به طور کلی فهرستها را به سه دسته اصلی تقسیم می‌توان کرد: تحلیلی، ترکیبی، اطلاعاتی. همه انواع فهرستهایی که در پایان کتابهای فارسی دیده می‌شود، جزو دسته تحلیلی قرار می‌گیرد. فهرست اطلاعاتی، فهرستی است که با توضیحات و اطلاعاتی که فهرستتان، گاه بر اساس متن و گاه خارج از متن تهیه می‌کند، همراه است. این گونه فهرست کاربرد و فایده‌های زیادی دارد، اما در ایران از امکانات آن به ندرت استفاده شده است. فهرست ترکیبی، که نگارنده تاکنون نمونه کاملاً موفقی از آن را در آثار فارسی ندیده است، به این صورت است که کتاب

تحلیل و به مدخلهایی تبدیل می‌شود، اما ترکیب مدخلها در فهرست تابع اصول و قواعدی نیست که نویسنده در تحلیل و ترکیب مطالب در متن مراعات کرده است، بلکه پیرو برنامه‌ای است که فهرستساز طراحی و اجرا می‌کند و هدف از آن گذشته از ترکیب کردن راههای ممکن مفاهیم، تدوین کردن فهرستی نیز هست که مستقل از متن کاربرد داشته باشد. ساختن فهرست ترکیبی فقط کار فهرستسازان متخصص و حرفه‌ای است و برنامه‌ریزیهای کامپیوتری و استفاده از کامپیوتر، امروزه به کاربرد و گونه‌های آن بسیار افزوده است.

در آثار فارسی بیش از چند نوشته کوتاه مطلبی درباره فهرستسازی نیست. مهمترین اینها فصلی است که میرشمس‌الدین ادیب سلطانی در کتاب خود آورده است (راهنمای آماده ساختن کتاب، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۵۷۷-۶۲۴). مبادی و اصول این فصل از کتاب متکی بر مآخذ خارجی و جنبه‌هایی از آن حاصل تدقیق و موشکافیهای نویسنده است. دستنوشته این کتاب چندین سال در کتابخانه مؤسسه انتشارات فرانکلین بود و نشرانی که در آن سالها جزوه‌های راهنمایی برای کار نشر و مؤلفان و مترجمان ویراستاران و ویراستیاران و نسخه‌پردازان و مصححان منتشر کردند، بخشی از مطالب خود، و نیز قسمت مربوط به فهرستسازی را از کتاب آقای ادیب سلطانی گرفتند. در حال حاضر یکی دوتن سرگرم گردآوری و تدوین مطالبی درباره ساختن فهرست هستند، اما تاکنون کتابی مستقل یا راهنمایی قابل توجه در این باب انتشار نیافته است. یکی از دانشجویان نیز فهرستسازی را موضوع پایان‌نامه خود قرار داده است، اما از کم و کیف کار او اطلاع دقیقی ندارم.

برای آموزش فهرستسازی در ایران دوره مرتب و دایری نیست. فهرستسازان حرفه‌ای معمولاً فهرستسازی را به صورت عملی و تجربی در

دستگاههای انتشاراتی یا به گونه‌ای مرتبط با آنها و به شکل ساده و ابتدایی، و حتی گاه نادرست آموخته‌اند. مؤسسه انتشارات فرانکلین که نقطه عطف و فصل تازه‌ای در تاریخ نشر کتاب در ایران بود، در همه جنبه‌های آماده‌سازی کتاب، و از جمله در فهرستسازی، تأثیر داشت. این مؤسسه حدود بیست سال فعال بود و در این مدت عده‌ای در این سازمان انتشاراتی فهرستسازی را زیر نظر فهرستسازان با سابقه و مجرب آموختند. ترجمه فهرست متن اصلی به زبان فارسی، بویژه در کتابهای علمی و فنی، تجربه‌ای بود که به لحاظ ناامیدی از تدوین فهرستهای خوب، در همین مؤسسه به کار بسته شد. آشنایی بیشتر بعضی از فهرستسازان با فهرستهای خارجی از این راه، در تکمیل و دقت بیشتر ساختمان فهرستهایی که در ایران تهیه می‌شد تأثیر گذاشت. تأسیس مدارس کتابداری، پرورش کتابدار متخصص و کتابشناس و روی آوردن تندی چند از اینان به نشر کتاب با دید فنی و تخصصی، عاملی تعیین کننده در ساخته شدن فهرستهایی بود که از لحاظ ساخت فنی و دقت علمی و در سطح استانداردهای شناخته شده است. چند نفری از فهرستسازان حرفه‌ای که هم اکنون برای مؤسسه‌های انتشاراتی فهرستهای خوب تهیه می‌کنند، از کتابداران متخصص و مجربند. در ۱۳۶۵ دوره کوتاه مدتی برای آموزش فهرستسازی در انجمن حکمت و فلسفه در تهران تشکیل گردید و عده‌ای از سازمانهای انتشاراتی در آن شرکت کردند. این دوره دیگر تکرار نشد و دوره پیشرفته تری که قرار بود برای فهرستسازان حرفه‌ای برگزار شود، تشکیل نگردید. و هر چند که یکی دو تن از رؤسای با فرهنگ و علاقه مند مؤسسات انتشاراتی به مداوم و حمایت از آن اظهار علاقه و ابراز پشتیبانی کرده بودند، و علی‌رغم درخواست داوطلبان بسیار، امکان تکرار دوره فراهم نیامد. در برنامه‌ای نظری که بعضی علاقه مندان به ایجاد رشته «مهندسی کتاب» در دانشگاه تنظیم کرده‌اند، جایی هم برای درس و دوره

فهرستسازی پیش‌بینی شده است. با این حال، در حال حاضر و تا جایی که نگارنده خبر دارد، هیچ دوره و درس مرتب و برنامه‌ریزی شده‌ای برای آموزش فهرستسازی در ایران دایر نیست.

از موارد خوب استثنایی که بگذریم، به طور کلی فهرست در ایران وضع درهم و آشفته‌ای دارد و تدوین و انتشار آن اصولاً تابع سیاستها و برنامه‌های انتشاراتی نیست، بلکه بیشتر تابع تصمیم‌گیریهایی موردی و فردی است. بضاعت فرهنگی ناشر، نویسنده، مترجم، ویراستار، نفوذ کلام پدیدآورندگان کتاب، توان مالی ناشر و حتی گاه ویر و هوس، در تدوین فهرست بیشتر مؤثر است تا برنامه نشر. ناشرانی هستند که کتابهایی را به بهترین صورتی که امکانات چاپ و نشر کشور اجازه می‌دهد منتشر می‌کنند، اما به فهرست کتاب هیچ اعتنایی ندارند. برای بعضی از ناشران دولتی که مسؤولان آنها وقوفی به کار نشر و کتاب ندارند، فهرست حکم تبعیدگاهی در پایان کتاب دارد و همان طور که کارمندان بلا استفاده را از واحدهای دیگر به واحدهای بی‌پناهی مثل کتابخانه و انتشارات روانه یا تبعید می‌کنند، اینها هم اوقات بلااستفاده آنها را در زباله دانی به نام «فهرست» می‌ریزند و در پایان کتاب خالی می‌کنند و تحویل خواننده و محقق می‌دهند. بسیاری از ناشران دستمزد فهرستسازی را بر اساس سرجمع تعداد مدخلها و شماره‌های جلوی آنها می‌پردازند و فهرستسازی هستند که به سودای پول بیشتر، هر چه به دستشان برسد وارد فهرست می‌کنند. بعضی از فهرستهایی که به این ترتیب تهیه می‌شود حجم بسیار متورمی دارد، اما وقتی جوینده به جست و جوی اطلاعات از طریق آنها برمی‌آید، می‌بیند که فهرست از اطلاعات تهی است؛ مشتئی لفظ و رقم بی‌حساب و کتاب است که در آخر کتاب تلبار شده است. گاهی هم شماره صفحات جلوی مدخل به اندازه‌ای زیاد است که اگر خواننده برای یافتن چیزی، کتاب را از اول تا آخر ورق بزند ممکن است

زودتر به مقصود خود برسد تا اینکه از شماره‌های فهرست به اطلاع مورد نظر دسترسی بیابد. فهرست در مؤسسات انتشارات خصوصی وضعی بهتر از سازمانهای دولتی ندارد. برای مثال ناشری چون خوارزمی که در مدت چند سال از دوره فعالیت خود ناشری به معنای واقعی و درست کلمه بوده و معیارهای مقبول و تا حد ممکن مطلوب آماده‌سازی و تولید فنی کتاب را با دقت و وسواس و سلیقه مراعات کرده، از فهرست به غفلت یا به تغافل گذشته است. استفاده از بعضی کتابهای این ناشر در کارهای تحقیقی و برای محقق بسیار دشوار است، تنها به این دلیل که فهرست ندارد، و بعضی از کتابهایی که احیاناً و تصادفاً فهرست دارد، چندان خوب و قابل استفاده نیست. بعید است که این ناشر به اهمیت و ارزش فهرست در کار تحقیق و کتابهای تحقیقی پی نبرده باشد. یادآوری می‌شود که از بردن نام این ناشر خدمتگزار به فرهنگ قصد خاصی در میان نیست، بلکه غرض تأکید و رزیدن بر این نکته است که در کشور ما ناشری که سألها از بهترین ناشران بوده و تقریباً به همه جنبه‌های کتاب نظر داشته، با فهرست بی‌توجه بوده است. بنابراین شاید واقع بنیانه‌تر این باشد که سطح توقعمان را از ناشران ایرانی دیگری که نه قوه تشخیص و تمیز، نه ذوق و سلیقه، نه دقت و توان فنی و نه برنامه و هدف انتشاراتی و سیاست مجموعه‌سازی خوارزمی را دارند، پایین بیاوریم و سطح انتظار را نه بر پایه مطلوبیتهای و معیارهایی که برای نشر در سطح معقول در نظر می‌گیریم، بلکه در سطح واقعیتهای موجود بگذاریم.

فهرست در دنیای امروز

شاید این اشاره کوتاه، از وضع فهرست پایان کتاب در ایران اجمالاً تصویری به دست بدهد و بعضی از مشکلات عمده آن را ترسیم کند. حال بهتر است به این نکته بپردازیم که در عصر اطلاعات، در جهانی که هر آنچه به اطلاع مربوط است، و از جمله کتاب، دستخوش

تحولات سریع است، آن بخش از کتاب که ماهیتی اطلاعاتی‌تر از سایر بخشهای کتاب دارد چه وضع و چشم‌اندازی دارد.

فهرست، چیزی جز وسیله‌ای منظم و روشمند برای بازیابی اطلاعات نیست. همه کتابها به قصد انتقال دانش و اطلاع نوشته نمی‌شود، مانند آثار ادبی و هنری؛ اما عمده کتابها را منابعی تشکیل می‌دهد که به گونه‌ای حامل علم، دانش یا اطلاعات به معنای وسیع کلمه است. همه آثار پژوهشی و همه منابعی که بر بررسی و مطالعه مبتنی است، هدفی جز انتقال اطلاع ندارد؛ خواه افزودن بر اطلاعات گذشته باشد و خواه تغییر یا تعویض آن. به طور کلی این منابع که می‌توان آنها را بنا به ماهیت مشترکشان اطلاعاتی قلمداد کرد، منابع اصلی مطالعه دانش پژوهان و به طور کلی کسانی است که مقصودشان از خواندن کتاب یا مراجعه به آن، دست یافتن به اطلاعات است.

در فهرست، ما با نشانه‌هایی کار داریم که می‌توان آنها را به منزله نشانه‌های اطلاعاتی یا تبلور اطلاعات یا مظهرهایی قلمداد کرد که هاله اطلاعات گرد آنها بسته می‌شود؛ مانند نام اشخاص، نام جاها، اصطلاحات، عناوین، نهادها، عبارتهای توضیحی و نظایر آنها. به اینها اصطلاحاً واژه‌ها یا نشانه‌هایی کلیدی یا کلید واژه‌ها می‌گویند. کلید واژه‌های هر متنی کلید اطلاعات مخصوص همان متن است. شناختن این گونه کلید واژه‌ها در هر متن، استخراج کردن آنها، تدوین سیاست و برنامه‌ای برای تنظیم و آراستن و پیراستن و وارد کردن در فهرستی به قصد بازیابی آنها، وظیفه اصلی فهرستسازی است.

هنر یا فن یا علم فهرستسازی در تاریخ سابقه‌ای کهنسال دارد و پیشینه آن به عصر تمدنهای باستانی مصر و سومر و چین می‌رسد، و در دوره‌های تدوین کتب و متون مقدس مذهبی به حد اعلای پیشرفت فنی خود در زمان رسیده است. اما از قرن نوزدهم که منحنی رشد انتشار کتاب با شیبی تند، روی به افزایش نهاد و

به طرف سادگی و صراحت و اختصار سوق داده و سبب شده است که تدبیرهای اطلاعاتی دیگری مانند چکیده نویسی، اطلاعات گزیده و غیره، مقالات تخصصی را یا صورتهایی باز هم ساده تر، خلاصه تر و فشرده تر ارائه دهد. پژوهندگان با دیدن اینها در حوزه تخصصی شان، ضمن آنکه در جریان تازه ترین اطلاعات رشته های خودشان قرار می گیرند و در وقتشان صرفه جویی می کنند، با سهولت بیشتری تصمیم می گیرند کدام مقالات را بخوانند و چه مقالاتی را نخوانند. گرایش به فشرده تر کردن اطلاعات چنان گسترده و عمیق است که مدام بر تکنولوژیها و روشهای اطلاع جویی، اطلاع اندوزی و اطلاع یا بی تأثیر می گذارد و راههای انتقال اطلاعات را ساده تر و سریعتر می کند. با استفاده از تکواژه ها، تک اصطلاحها و مجموعه اصطلاحهای کنترل شده، که رابطه های معنایی و سلسله مراتبی آنها به دقت بررسی شده است، می توان اصلی ترین مفاهیم مقاله را با کوتاهترین و دقیقترین کلمات ممکن بیان داشت. هر متخصصی با نگاه کردن به چند واژه تخصصی مربوط به رشته خود که کنار هم قرار گرفته باشد، یا به گونه ای یا به وسیله ای، چه کامپیوتری و ماشینی و چه غیر ماشینی، با هم ترکیب شود، زود درمی یابد که بحث اصلی بر سر چیست. این کلید واژه ها که می توان آن را به صورتهای گوناگون تنظیم و ارائه کرد، فشرده ترین صورت چکیده های افشرده شده مقاله های خلاصه شده ای است که جای کتابها را گرفته است و حامل حداکثر اطلاعات یا حداقل ضایعات است. نکته ای که می خواهیم بگوییم و این توضیحات را فی الواقع برای آن آوردیم، این است که این گونه کلید واژه ها را در جایی گرد هم می آورند، روابط خاصی را میان آنها برقرار می کنند و به آن فهرست می گویند. بنابراین اگر فهرستی با توجه به همه جهات و جوانب، درست طراحی و تدوین شده باشد، بلاشک بهترین، جامعترین، سریعترین و سهلترین ابزار اطلاعاتی است.

نیاز به اطلاعات روبه تزاید گذاشت، در شیوه های شناسایی، انباشت و بازیافت اطلاعات فصل کاملاً تازه ای گشوده شد و ساختمان فهرست و فهرستسازی نیز دستخوش تغییرات سریع گردید. پیشرفت علوم کتابشناسی و کتابداری و پیدایش علم سندداری (دکومانناسیون) و رهاوردهای این علوم بر آن تأثیر دگرساز گذاشت. در قرن بیستم نیاز به پردازش و جابه جایی اطلاعات در مقادیر عظیم، پدید آمد. کامپیوتر ساخته شد و دو عامل یا ضرورت بسیار مبرم سرعت و دقت، نیروی محرک تولید، گردش و کاربرد اطلاعات قرار گرفت و فهرست-البته نه فقط فهرست پایان کتاب، بلکه همه فهرستها، یا به اصطلاح اهل فن، همه نمایه ها- به عنوان تنها راه ورود و تنها وسیله بازیابی اطلاعات دستخوش عمیقترین تغییرات در طول تاریخ شد. از همین قرن و بویژه از زمانی که کامپیوترهای پیشرفته تر در خدمت تدوین و تنظیم فهرستهای گوناگون قرار گرفت، فهرست ابعاد کاملاً تازه ای یافت و به قلمرو تازه ای راه برد.

عصری که ما اکنون در آن بسر می بریم، عصر حداقل صرف وقت و استفاده حداکثر از وقت است. زمانه اطلاعات فشرده، پرهیز از زیاده گویی و اطنا کلام، خواندن حجم زیاد نوشته در زمانهای کوتاه، تندخوانی و بسیار خوانی و لاجرم استفاده از زبان ساده و فصیح و کلمات و عبارت روشن و کوتاه و بی ابهام و گویاست. گفتیم و باز تکرار می کنیم، مقوله ادب و هنر بگلی استثناست و این نکات اگر در آن مهذبات شود، از قواعد خاص آن مقوله پیروی می کند. در این دوره در حوزه های علوم و فنون، مقاله تخصصی جای سابق کتاب را گرفته است. نشریات تخصصی در همه حوزه های دانش بشر اکنون وظیفه ای جز انتقال اطلاع ندارد. دو ضرورت مبرم سرعت و دقت که از آن یاد کردیم و گفتیم نیروی محرک تولید، گردش و کاربرد اطلاعات است، حاملهای اطلاعات را که تکواژه، واژه مرکب، عبارت و جمله باشد،

فهرست کتاب، مجموعه اطلاعات فشرده کتاب است. اگر فهرست بر اساس روشهای منظم و فنی فهرستسازی ساخته شود، اطلاعات مندرج در کتاب را به خوبی نشان می‌دهد. فهرست کتاب، مجموعه‌ای از اطلاعات تجزیه و تحلیل شده نیز هست. حجم اطلاعات در جهان با رشدی شتابناک در افزایش است و این افزایش، محصول نظامها و روشهای تجزیه و تحلیل اطلاعاتی است. هر نوشته‌ای که تحلیل و اطلاعات آن به زبان اطلاعاتی تبدیل شود، جزو مجموعه‌ای قرار می‌گیرد که بیدرنگ می‌توان آن را به یکی از نظامهای اطلاعاتی وارد کرد و هر فقره اطلاعی که به یکی از نظامهای روشمند اطلاعاتی در جایی از جهان وارد شود، بالقوه در همه جا - هر جا که امکان اتصال به نظامهای اطلاعاتی باشد - قابل بازیابی است. راه ورود کتاب به نظام اطلاعاتی به هر حال نوعی فهرست است. کتابها حکم آبهای جدا از هم را دارد که از مجرای فهرستها به هم می‌پیوندند و پهنه گسترده و پیوسته اطلاعاتی را تشکیل می‌دهد. از این دیدگاه، بود و نبود فهرست در کتاب دیگر موضوعی نیست که به یک کتاب محدود باشد؛ بویژه آنکه اگر کتاب ارزش ماندگار یا استفاده وسیع داشته باشد. موضوع پیوستن بالفعل و بالقوه اطلاعات کتاب به مجموعه‌های اطلاعات تحلیل شده و به هم پیوسته، که در نظامهای اطلاعاتی قابل انباشت و بازیافت است، در میان است. موضوع فهرست دیگر موضوعی نیست که ناشری با مبالغ یا بی مبالغ تهیه کند و آوردن آن را میل خود بداند یا نداند. هیچ کتاب با ارزشی نیست که از فهرست بی‌نیاز باشد. حتی رمانهایی که خواننده ناگزیر است از سرتا ته آنها را بخواند، مانند رمانهای خوب، کلاسیک و ماندگار، به فهرست نیاز دارد. آثار ادبی - چه نثر و چه نظم - چنانچه ارزش تحقیقی داشته باشد، فهرست لازم دارد.

همه آثار جاودان ادبیات جهان به فهرست و فهرستهای بسیار خوب نیاز دارد. حتی اگر اثری ادبی کاربرد تحقیقی نداشته باشد، اما به دلایلی خوانندگان به

آنها زیاد رجوع کنند، مانند مجموعه‌های شعر، داستانهای جذاب و حکایت‌های محبوب که مردم آنها را دوست دارند، به فهرست نیازمند است. چرا که کمترین فایده این گونه فهرستها صرفه جویی در وقت خواننده برای یافتن صحنه‌ها، قطعه‌ها، گفت و گوها، توصیفها و ماجراهاست.

نسبتهای فهرست، یا به اصطلاح اهل فن عمق فهرست، در همه کتابهای یکسان نیست و میزان و نوع استفاده‌ای که از کتاب می‌شود در کمیت و کیفیت آن تأثیر دارد. برای این نسبتها معیارهای متفاوتی هست؛ اما معمولاً حجم کتاب را بر اساس صفحه معیار قرار می‌دهند و فهرست دوستونی را نیز بر حسب صفحه محاسبه می‌کنند و درصد آن را نسبت به کل کتاب در نظر می‌گیرند. معمولاً حجم فهرست در کتابهای مختلف از حداقل یک درصد تا حداکثر بیست درصد حجم کتاب نوسان دارد. برای کتابهای عمومی، فهرستهای عمومی و کوتاهتر و برای کتابهای تخصصی، فهرستهای تفصیلی و دقیقتر تهیه می‌کنند. بنابراین هر چه کتاب تخصصی‌تر شود، حجم فهرست آن معمولاً بیشتر می‌شود و در کتابهای اطلاعاتی حجم فهرست به حداکثر می‌رسد. در برنامه‌ریزی دستگاههای نشر برای تهیه فهرست، معمولاً کتابها را به این دسته‌ها تقسیم می‌کنند: عمومی، نیمه تخصصی، تخصصی، مرجع و اطلاعاتی. تأکید می‌کنیم با استثناءها، کار نداریم. مجموعاً در میانگین کتابهای ناشرانی که در سطح بین‌المللی با مراعات استانداردها فعالیت می‌کنند، درصد فهرست بر این اساس در نظر گرفته می‌شود و فهرستساز حرفه‌ای عمق فهرست کتاب را بر مبنای ضابطه‌ای که گفتیم، تعیین می‌کند.

تصمیم‌گیری درباره فهرست، اصولاً با ویراستار متخصص یا مهندس کتاب است. تجربه نشان داده که تصمیم مؤلفان در این باره همیشه درست و واقع بینانه نیست و در ضمن مؤلفان برای کتاب خودشان فهرستسازان خوبی نیستند. تعلقهای عاطفی آنان به

نوشته‌شان اجازه نمی‌دهد که درباره اطلاعات موجود در اثرشان بیطرفانه داوری کنند، آنچه لازم است بیاورند، و آنچه لازم نیست یا کمتر لازم است، نیاورند. دستگاه‌های انتشاراتی یا سابقه و شناخته شده معمولاً در تهیه فهرست از سنت‌های پایداری پیروی می‌کنند و سازمان‌هایی که کتاب‌های مرجع را با معیارهای بین‌المللی انتشار می‌دهند و در سال‌های اخیر فهرست‌هایشان را کامپیوتر تنظیم می‌کنند، معمولاً بهترین فهرست‌ها را می‌سازند. در این سازمان‌ها معمولاً عده‌ای فهرست‌ساز حرفه‌ای وظیفه تدوین و تنظیم فهرست‌ها را بر عهده دارند و زیر نظر ویراستار عمومی یا تخصصی به مسؤلیت خود عمل می‌کنند.

نتیجه

فهرست، راه ورود و دست یافتن به اطلاعات و از ساده‌ترین، کارآمدترین و ضروری‌ترین ابزارهای اطلاعاتی است. هر چه جهان به سوی انباشت و بازیافت اطلاعات بیشتر نزدیکتر شده، کاربردهای فهرست نیز بیشتر شده است. در اوضاع و احوال کنونی که نظام‌های اطلاعاتی یکی پس از دیگری و در زمینه‌های گوناگون تشکیل می‌شود و بر قلمرو مجموعه‌های اطلاعاتی کاویده شده افزوده می‌گردد، کتاب‌ها، و بالاخص کتاب‌های ارزشمند و ماندگار، زمینه‌ای است که پیوسته شدن آنها به نظام‌های اطلاعاتی و دسترس‌های عمومی‌تر و تخصصی‌تر به آنها، تنها از راه فهرست میسر است. نبودن فهرست در کتاب، نبودن راه به یک مجموعه اطلاعاتی است. فهرست‌سازی برای کتاب از ابتدایی‌ترین و لازمی‌ترین اقدامات برای دستیابی روشمند خوانندگان و متخصصان به اطلاعات مندرج در کتاب است و این کار از وظایف ناشران است. اما مادام که ناشران هدفها و سیاست‌های انتشاراتی‌شان را معلوم نکنند، به جایگاه و اهمیت اطلاعات و دستیابی به آن در کار خود درست پی نبرند، برنامه‌ریزی و امکانات لازم را فراهم نیاورند، نمی‌توانند به همه جنبه‌های کتاب، و از جمله به فهرست،

درست بپردازند. و تحقق اینها نیز در گرو چند عامل، از جمله تقویت بنیه صنعت نشر، افزایش آگاهی عمومی و کتابخوانی و اطلاع‌جویی و مآلاً فروش بیشتر کتاب و استفاده از تخصص‌های لازم و مورد نیاز در کار نشر است. آموزش نظری اصول و روش‌های فهرست‌سازی در مراکز آموزش علوم کتابداری، سندداری، آرشیوی و اطلاع‌رسانی و آموزش‌های عملی در کتابخانه‌های بزرگ، مراکز اسناد، آرشیوها، مراکز اطلاع‌رسانی، و احدهای انتشاراتی و واحدهایی که به تدوین و نشر کتاب‌های مرجع نظیر دایرة المعارف، فرهنگ‌های عمومی و تخصصی و کتاب‌های درسی و آموزشی اشتغال دارند، تأثیر انکار ناپذیری در بهبود وضع فهرست‌ها در کشورمان خواهد داشت. تشکیل انجمن‌های تخصصی و علمی، انتشار نشریات تخصصی که حاوی مطالبی در این زمینه‌ها باشد، به بهتر شناخته شدن مسائل و کاربردهای فهرست کمک مؤثر می‌کند. اما شاید هیچ چیز به اندازه تدوین و انتشار تعداد فهرست‌های خوب با کاربردهای مختلف، تأثیر گسترده و نسبتاً آنی نداشته باشد. اگر پژوهندگان فایده این گونه فهرست‌ها را در عمل و به عین ببینند، نیازشان به اطلاع‌جویی در همه زمینه‌ها گسترش می‌یابد و این نیاز به عنوان محرک و تقاضایی قوی، در چگونگی تنظیم و تولید و نشر کتاب اثر می‌گذارد. اگر مردم در خریدن کتاب یکی از ترجیحاها را بر وجود فهرست‌های خوب بگذارند، طبعاً این نیاز در کار نشر انعکاس پیدا می‌کند و در برنامه تولید کتاب تأثیر می‌گذارد. اگر چندتن از مسؤولان با فضیلت و علم و فرهنگ دوست سازمان‌های بزرگ انتشاراتی - چه دولتی و چه خصوصی - در تهیه و تدارک تعدادی فهرست با معیارهای مطلوب یا دست‌کم مقبول پیشگام شوند، به ایجاد و استواری ضابطه‌ای کمک کرده‌اند که استقرار آن در کشور تداوم خواهد یافت و به عالم کتاب و اطلاع‌خدمتی بزرگ خواهد بود.